ذره‌بین

مرگ دزد موتورسوار در حین سرقت

میزان| دزد موبایل قاپ پس از سرقت موبایل یک همراه بیمار در خیابان قزوین با مانع فلزی برخورد کرد و جان خود را از دست داد. همدستان این متهم از سوی مردم و ماموران دستگیر شدند. ساعت ۱۱ روز جمعه اهالی خیابان قزوین متوجه سر و صدای زن جوان و افتادن پسر جوان در کنار پیاده رو شدند. با حضور مردم مشخص شد پسر جوان قصد سرقت موبایل زن ۳۴ساله را داشته است که این زن با هوشیاری متهم را از روی موتور سیکلت به پایین کشیده و راکب موتور هم فرار کرده است. با دستگیری متهم دقایقی بعد افراد حاضر متوجه شدند راکب یک دستگاه موتورسیکلت که در پیاده رو بیمارستان فارابی درحال حرکت بوده، به علت برخورد با موانع جان خود را از دست داده است. با اعلام موضوع به پلیس بلافاصله عوامل کلانتری ۱۱۵ در محل حاضر شدند. باتوجه به حساسیت موضوع، رئیس کلانتری هم در محل حاضر و تحقیقات در این باره آغاز شد. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد دو پسر جوان قصد سرقت موبایل زن جوان را داشته‌اند که یکی از آنها با هوشیاری زن جوان و مردم دستگیر شده و راکب موتور هنگامی که برای دیدن صحنه دستگیری همدستش به عقب بر می‌گردد با مانع برخورد می‌کند و به علت شدت حادثه جان خود را از دست می‌دهد. ماموران در بررسی محل حادثه متوجه رفتارهای مشکوک پسر جوانی در محل شدند که با دستگیری او، این فرد مدعی شد همدست متهمان بوده و برای اطلاع از وضع آنها به محل آمده که دستگیر شده است. سرهنگ بیرانوند، رئیس کلانتری ۱۱۵ رازی گفت: متهمان چهار جوان ۲۰ تا ۲۴ساله بودند که در پوشش دو موتورسیکلت دست به سرقت می‌زدند. آنها در اعترافات اولیه خود مدعی شدند بیشترین سرقت‌هایشان را از بیماران و همراهان مریض بیمارستان فارابی انجام داده‌اند. درحال حاضر تحقیقات بیشتر برای دستگیری آخرین عضو این باند ادامه دارد.

۵ کشته در تصادف رانندگی روانسر

ایرنا| در حادثه تصادف رانندگی در محور روانسر به پاوه ۵ مسافر کشته شدند. پیش از ظهر جمعه بر اثر تصادف یک کامیونت و یک خودروی سواری پراید در مسیر روانسر به پاوه چهار تن جان خود را از دست دادند و یک تن نیز زخمی شد. خودرو پراید پنج سرنشین داشت که همگی از اعضای یک خانواده بودند که چهار تن از آنها جان باختند و یک تن دیگر که به بیمارستان منتقل شده بود براثر شدت جراحات وارده جان باخت. در این حادثه پنج تن از سرنشینان خودرو پراید که از یک خانواده بودند جان باختند و راننده کامیونت نیز به مراکز درمانی کرمانشاه انتقال یافت. ۲ تن از مصدومان توسط اورژانس هوایی به مراکز درمانی کرمانشاه اعزام شدند. علت وقوع این حادثه توسط پلیس در دست بررسی است. این حادثه در سه‌راهی بیاشوش به سمت پاوه، روبه‌روی تالار عروسی اتفاق افتاده است.

سارقان و آدم‌ربایان خشن به دادگاه می‌روند

شهروند| سارقانی که پس از دزدی از طعمه‌های خود، آنها را کتک می‌زدند و گروگان می‌گرفتند، به‌زودی در دادگاه محاکمه خواهند شد. رسیدگی به این سرقت‌ها از سال پیش و با شکایت پیرمردی از سرنشینان یک پراید آغاز شد. تحقیقات ماموران در محل نشان می‌داد شماره پلاک خودرو نیز جعلی یا سرقتی بوده و سارقان با زور و روش‌های خشن در خیابان‌های پایتخت دست به سرقت‌های خشن می‌زنند. راز سرقت‌های این گروه آدم‌ربا پس از مدت کوتاهی و با بازداشت یکی از سارقان سابقه‌دار پایتخت بالاخره برملا شد. پس از آن، پرونده این متهمان در شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ مورد بررسی قرار گرفت. براساس محتویات این پرونده‌ها که در آنها ۹ آدم‌ربایی مقرون به آزار دیده می‌شود، شاکیان مدعی شده‌اند زمانی که قصد سوار شدن به خودرو برای مسافرت درون‌شهری را داشته‌اند از سوی سه سرنشین و گاهی دو سرنشین خودرو مورد سرقت، آدم‌ربایی و گروگانگیری قرار گرفته‌اند. براساس محتویات این پرونده، همه ماجرا به آدم‌ربایی و سرقت ختم نمی‌شد و بیشتر سرقت‌های این باند خشن که با استفاده از خودروهای سرقتی انجام می‌شد، شامل آزار و اذیت‌های خشن روحی برای شاکی بود، در حدی که بعضا شکاتی به بیمارستان روانی رفته و مورد مداوا قرار می‌گرفتند. بعضی از شکات نیز برای درمان زخم‌های جسمی‌شان به بیمارستان می‌رفتند. تحقیقات در این پرونده‌های مشابه نشان می‌دهد یکی از شکات وقتی مدعی شده است در کارت‌های عابربانکش پولی ندارد، متهمان برای زورگیری خود متوسل به چاقو شده و شاکی که مورد آزار و اذیت شدید از سوی متهمان قرار گرفته بود، در نتیجه مجبور می‌شود به خانواده خود زنگ بزند و از آنها درخواست واریز پول به حساب خود کند تا به این وسیله بتواند از دست این آدم‌ربایان خشن رهایی پیدا کند. تحقیقات در این پرونده‌ها در دادسرای ناحیه ۳۴ تهران تکمیل شده است و با صدور قرار به جلب دادرسی از سوی قاضی علی وسیله ایردموسی برای متهمان پرونده، به زودی متهمان برای محاکمه در دادگاه کیفری مورد محاکمه قرار خواهند گرفت.

مرگ عجیب دانش‌آموز ۱۶ساله در شوش

قضای بد «غزل»

شهروند| یک دانش‌آموز دختر در شهرستان شوش، به طرز عجیبی جانش را از دست داد. این دختر ۱۶ساله به نام غزل در مقطع دوم متوسطه در دبیرستان دخترانه شاهد ایثار این شهرستان تحصیل می‌کرد. او پس از خوردن موادغذایی که از جشنواره مدرسه‌شان خریده بود، دچار این سرنوشت مرگبار شد. غزل با حال وخیم توسط پدر و مادرش به بیمارستان مراجعه کرد و پس از مداوا به خانه رفت. اما این دختر با بدتر شدن حالش دوباره به بیمارستان منتقل شد و در آن‌جا فوت کرد. علت مرگ مشکوک این دانش‌آموز هنوز مشخص نیست، اما به گفته مسئولان قضائی پیکر او برای کالبدشکافی و آزمایش سم‌شناسی به اهواز فرستاده شده است. با این وجود والدین غزل کادر درمانی بیمارستان نظام‌مافی شوش را مقصر مرگ دخترشان می‌دانند. پدر دختر ۱۶ساله تعلل، تشخیص نادرست و بی‌تفاوتی پزشکان این مرکز درمانی را دلیل فوت دخترش اعلام کرده است.

شنبه ۱۴ بهمن‌ماه، غزل ۱۶ساله پس از پایان مدرسه به کلاس زبان می‌رود و بعد از آن به خانه باز می‌گردد. آن روز در مدرسه آن‌ها جشنواره موادغذایی برگزار شده بود و غزل قبل از خارج شدن از مدرسه مقداری غذا از آن‌جا می‌خرد. به گفته مسئولان آموزش و پرورش این دختر نوجوان ساعت ۱۴ همان روز از مدرسه تعطیل می‌شود و به خانه می‌رود و پس از استراحت، ساعت ۱۶ به کلاس زبان می‌رود و پس از بازگشت حال او بد می‌شود. موضوعی که پدر غزل هم آن را تأیید می‌کند. به گفته پدر این دختر، غزل پس از پایان کلاس زبان و حدود ساعت ۸ شب به خانه بازمی‌گردد و همان موقع به او و مادرش می‌گوید کمی دل درد دارد. اما به دلیل این که فردای آن روز امتحان داشته به اتاقش می‌رود و شروع به درس خواندن می‌کند. او حدود ساعت ۱۱ شب با درد شدید از خواب بیدار می‌شود و از والدینش می‌خواهد که او را به بیمارستان ببرند. پدر این دانش‌آموز در توضیح اتفاقات آن شب می‌گوید: «غزل از درد به خودش می‌پیچید، من و مادرش به سرعت او را به بیمارستان نظام‌فانی شوش رساندیم. از منشی اورژانس خواهش کردیم تا دخترمان بدون نوبت معاینه شود. اما موقع تعویض شیفت پزشک اورژانس بود، دکتر به ما گفت که به احتمال زیاد مسمومیت غذایی است، برایش سرم و آمپول نوشت، ما هم غزل را به بخش تزریقات بردیم. اما حال او هر لحظه بدتر می‌شد. سرم تمام شد و من به پرستار گفتم حال دخترم بهتر نشده، اما او هم همان صحبت‌های دکتر را به ما تحویل داد و گفت که یک مسمومیت غذایی ساده است و جای هیچ نگرانی نیست. اما غزل حالش خیلی بد بود، می‌گفت سینه‌اش می‌سوزد؛ من دوباره به سراغ دکتر رفتم، شیفتشان عوض شده بود، یک خانم دکتر بالای سر دخترم آمد و گفت این سوزش به خاطر حالت تهوع زیاد و رفلکس معده است، دکتر به ما گفت که او مرخص است و تا چند ساعت آینده حالش بهتر می‌شود و ما هم به خانه باز گشتیم.»

اما ماجراهای تلخ آن شب ادامه پیدا کرد. پس از بازگشت غزل به خانه نه‌تنها حال او بهتر نشد بلکه شرایطش وخیم‌تر هم شد. حال این دختر به قدری وخیم شد که دیگر قادر به راه رفتن هم نبود. او حتی نمی‌توانست روی پاهایش بایستد. پدر و مادر او دست پاچه با اورژانس تماس گرفتند؛ اما آن‌طور که پدر او می‌گوید، نیروهای اورژانس هم با تأخیر زیاد بربالین این دختر حاضر می‌شوند: «ما همه ماجرا را برای اورژانس تعریف کردیم، اما آن‌ها از پشت تلفن به ما گفتند که فقط برای بیماران قلبی ماشین اعزام می‌کنند و ما باید خودمان او را به بیمارستان برسانیم. اما دخترم انگار فلج شده بود، توان راه رفتن نداشت، من هم نمی‌توانستم او را بلند کنم، زنم چندبار با اورژانس تماس گرفت و آن‌قدر التماس کرد که بالاخره آن‌ها با اکره خودشان را به خانه ما رساندند و غزل را با ویلچر دوباره به بیمارستان بردیم.

حال غزل خیلی بد بود، صورتش کبود شده و نفسش به شماره افتاده بود، کادر درمانی بیمارستان هم علت را تشخیص نمی‌دادند. این دختر روی تخت بیمارستان افتاده بود، اما کسی نبود که به او کمک کند. پزشک عمومی بیمارستان دوباره به بالین او آمد، اما او هم نتوانست بیماری این دختر را تشخیص دهد. پدر و مادر غزل برای زنده ماندن دخترشان دست به دامن هر کسی در این مرکز درمانی شدند، اما همه تلاش‌ها بی‌نتیجه بود. پدر غزل در گفت‌وگو با رسانه‌های محلی درباره لحظات آخر زندگی دخترش می‌گوید: «دخترم نفس نفس می‌زد، لبانش از درد کبودشده بود و دیگر حتی نمی‌توانست صحبت کند، من به اتاق سوپروایزر رفتم؛ به آن‌ها التماس کردم که دخترم دارد از دست می‌رود، برای او کاری کنید، اما آن‌ها می‌گفتند؛ نگران نباش حالش خوب می‌شود، من می‌دیدم که دختر دارد از درد بیهوش می‌شود و آن‌ها برای او کاری انجام نمی‌دهند، بالاخره آن‌قدر من و همسرم خواهش و التماس کردیم که آن‌ها با پزشک متخصص تماس گرفتند، اما تلفن او در دسترس نبود. بیمارستان نظام‌مافی فقط یک پزشک عمومی داشت که او چندبار به ما گفت نمی‌داند مشکل دختر من چیست. دخترم داشت روی تخت جان می‌داد و من و همسرم هم برای نجات جان او التماس می‌کردیم، اما هیچ‌کس توجهی به ما نداشت. تقریبا غزل دیگر از هوش رفته بود که او را به اتاق CPR بردند. ماساژ قلبی و چند دستگاه به او وصل کردند، اما دیگر فایده‌ای نداشت. دخترم مرده بود. من یک معلم هستم و از کادر درمانی این بیمارستان فقط یک سوال دارم و آن این که اگر جای غزل دختر خودشان یا اقوام نزدیکشان هم بود، بازهم همین گونه برخورد می‌کردند.»

در همین حال دادستان شوش هم از تشکیل پرونده و پیگیری قضائی درخصوص این حادثه خبر داده است. مصطفی نظری دادستان عمومی و انقلاب شوش با اعلام این که پیکر این دختر دانش‌آموز به منظور مشخص شدن علت مرگ برای کالبدشکافی و آزمایش سم‌شناسی به پزشکی قانونی خوزستان در اهواز منتقل شده است، گفت: «براساس بررسی به عمل آمده پرونده تشکیل شده از سوی کلانتری ۱۱ شهر شوش این دختر ۱۶ساله که در مقطع دوم متوسطه در دبیرستان دخترانه شاهد ایثار شوش تحصیل می‌کرده که ۱۵ بهمن ماه به علت تهوع به بیمارستان نظام مافی شوش مراجعه کرده و پس از مداوا راهی منزل شده اما بعد از ساعاتی دوباره دچار تهوع شدید شده و برای بار دوم به بیمارستان نظام مافی منتقل شده است که در بیمارستان فوت می‌کند. البته براساس شواهد موجود این دختر نوجوان روز حادثه مقداری موادغذایی از جشنواره که در مدرسه برگزار شده خریداری کرده است. با این وجود پس از دریافت نتیجه کالبدشکافی و آزمایش سم‌شناسی و روشن شدن علت تامه مرگ در صورتی که مشخص شود در درمان این دانش‌آموز قصور پزشکی صورت گرفته و یا مسمومیت وی ناشی از مصرف مواد غذایی در جشنواره پخت غذا در دبیرستان محل تحصیل وی بوده با مقصر یا مقصران مرگ وی برخورد قانونی می‌شود.»

قتل مرد معتاد از سوی مدیر کمپ

شهروند| مدیر یک کمپ ترک اعتیاد که معتاد فراری را کشته بود با تأیید حکم قصاصش در دیوان عالی کشور به زودی اعدام خواهد شد. این مرد با لوله پلاستیکی آن‌قدر مقتول را کتک زد تا جان باخت.

اواخر سال ۹۳ بود که این پرونده در پلیس آگاهی کلید خورد. با کشته‌شدن یک معتاد در کمپ اعتیاد، ماموران پلیس موضوع را در دستور کار خود قرار دادند. در تحقیقات و تجسس‌های ماموران مشخص شد که مدیر این کمپ در حوالی اسلامشهر به نام امیر، پس از درگیری با یک مرد معتاد او را کتک زده و موجب مرگ وی شده است. بنابراین امیر دستگیر شد و پرونده‌اش برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. امیر در این شعبه محاکمه و با درخواست اولیای دم از سوی هیأت قضائی به قصاص محکوم شد. این حکم در دیوان عالی کشور بررسی شد، اما مورد تأیید قرار نگرفت. بنابراین پرونده بار دیگر به دادگاه کیفری فرستاده شد و امیر برای بار دوم پای میز محاکمه ایستاد. در این جلسه که در شعبه دهم دادگاه کیفری و به ریاست قاضی محمدباقر قربانزاده برگزار شد، متهم درباره جزییات این حادثه گفت: «مقتول مدتی در کمپ ما بستری بود. بعد از گذشت مدتی او فرار کرد. برای همین من از همکارانم خواستم تا او را به کمپ برگردانند. وقتی مقتول به کمپ منتقل شد، برای تنبیه کردنش چند ضربه با لوله پلاستیکی به پا و کمرش زدم؛ اما نمی‌خواستم او را بکشم. مقتول چون برای خلاص شدن از کمپ مسافت طولانی را دویده بود، نفس نفس می‌زد؛ فکر می‌کنم به خاطر همین جان باخت. من اصلا نمی‌خواستم او را بکشم. فقط قصدم تنبیه کردن او بود. می‌خواستم به او کمک کنم تا دیگر فکر فرار به سرش نزند.»

سپس در ادامه جلسه قضات دادگاه از سه شاهد خواستند تا آنچه را دیده‌اند برای دادگاه تشریح کنند. نخستین شاهد شریک امیر بود. او درباره روز حادثه به قضات گفت: «من معمولا امور بیرون از کمپ را مدیریت می‌کردم. همان روز بچه‌ها گفتند که مقتول از کمپ فرار کرده است. امیر هم چند نفر را به دنبال او فرستاد. دقایقی بعد بچه‌ها مقتول را در حالی که دست و پاهایش را بسته بودند به حیاط کمپ آوردند. او نفس نفس می‌زد که امیر دبه‌ای آب سرد به سر و روی او پاشید. بعد از آن با لوله پلاستیکی او را کتک زد. چند بار به امیر تذکر دادم اما گوش نکرد. او مقتول را به داخل سالن اصلی کشید و سرش را به دیوار کوبید که بیهوش شد. چند دقیقه گذشت که معتادان کمپ گفتند مقتول بشدت می‌لرزد. من برایش پتو بردم اما امیر گفت تمارض می‌کند و حالش خوب است. آن شب گذشت. صبح برای خرید نان از کمپ بیرون رفته بودم که با من تماس گرفتند و گفتند او جان باخته است. وقتی به کمپ برگشتم امیر وسایلش را جمع کرده بود تا از کمپ فرار کند.»

دومین شاهد نیز گفت: «آن روز پس از درگیری، امیر با لوله به سر و کمر مقتول می‌زد اما نمی‌دانم ضربه‌ها کشنده بود یا نه.»

سومین شاهد هم به قضات گفت: «وقتی حال مقتول بد شد من تا نزدیک صبح بالای سرش بودم. او به سختی نفس می‌کشید. وقتی سرش کج می‌شد دیگر قادر به تنفس نبود. قصد داشتم او را به بیمارستان برسانم اما امیر درها را قفل کرده بود. برای چند ساعتی مقتول را رها کردم تا بخوابم اما دوستانم گفتند او دیگر نفس نمی‌کشد.»

بنابراین با اظهارات شاهدان هیأت قضائی وارد شور شدند و با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده متهم را به قصاص محکوم کردند. این حکم به تأیید قضات شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور رسید و به‌زودی اجرا خواهد شد.

خطر در تایوان ادامه دارد

شهروند| عملیات جست‌وجو در ساختمان‌های واژگون‌شده مناطق زلزله‌زده تایوان با توجه به کشف سه جسد دیگر همچنان ادامه دارد. این درحالی است که خطر پس‌لرزه‌های بعدی همچنان وجود دارد. سه جسد کشف‌شده نیز در ساختمان هتل واژگون‌شده پیدا شد. گفته می‌شود که احتمال دارد چند ساختمان دیگر نیز کج شود و در هوا معلق بماند.

بر این اساس، تاکنون مرگ ۱۰ نفر در این زلزله ۶.۴ ریشتری در شهر توریستی «هوالین» تأیید شده که شامل پنج سکنه محلی، چهار چینی و یک فیلیپینی می‌شود. اما مقامات تعداد مفقودان در این زلزله را تا عصر پنجشنبه به طرز چشمگیری از بیش از ۶۰ نفر به تنها هفت نفر تقلیل داده‌اند. مفقودان پنج چینی و یک زوج کانادایی اعلام شده‌اند.

این زلزله شدید که خرابی‌های بسیاری ازجمله تخریب ساختمان‌ها و مسدود شدن جاده‌ها داشته، باعث آوارگی صدها نفر از مردم و اسکان آنها در مدارس و استادیوم شهر شده است.

تمرکز اصلی امدادگران روی ساختمان «یون تسوی» است، چرا که هفت نفر از قربانیان در این ساختمان جان خود را از دست داده‌اند و گمان می‌رود باقی مفقودان این زلزله نیز از میهمانان هتل بوده‌اند.

نگرانی‌های بسیاری نسبت به فرو ریختن این ساختمان ۱۲ طبقه که اکنون با زاویه ۵۰ درجه‌ای کج شده است، وجود دارد. با وجود تمامی این خطرات و وقوع پس‌لرزه‌های فراوان، امدادگران همچنان به جست‌وجوی خود ادامه می‌دهند.

یک عضو سازمان صلیب‌سرخ با اشاره به این‌که خطر انفجار گاز این ساختمان را تهدید نکرده و تنها خطر موجود پس‌لرزه‌های فراوان و ریزش ساختمان است، گفت: «احتمالا ساختمان پنج درجه دیگر نیز کج می‌شود. همچنین امید کمی برای یافتن بازماندگان بیشتر در طبقات تحتانی این ساختمان وجود دارد.»

مرد هندی به خاطر جهیزیه، کلیه همسرش را دزدید

یک زن هندی اهل ایالت بنگال از شوهر و برادر شوهرش به دلیل دزدیدن یکی از کلیه‌هایش شکایت کرد و این افراد در پی شکایت این زن بازداشت شدند.

ریتا سارکار، زن ۲۸ساله هندی ادعا کرده است که همسرش بارها از او تقاضای جهیزیه ۲۰۰هزار روپیه‌ای کرده و به دلیل همین موضوع بارها مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته بود.

در هند جهیزیه شامل وسایل خانه نمی‌شود و در برخی موارد به صورت وجه نقد توسط خانواده عروس پرداخت می‌شود. این سنت از سال ۱۹۶۱ در هند ممنوع شده و این کشور قوانین سختگیرانه‌ای برای مقابله با این سنت جهیزیه وضع کرده است.

ریتا به روزنامه تایمز هندوستان گفت: دوسال پیش من در ناحیه شکم احساس درد شدید کردم. همسرم مرا به یک درمانگاه خصوصی در کلکته برد و آن‌جا به من گفتند که بعد از برداشتن آپاندیس حالم خوب می‌شود.

او در ادامه گفت که همسرش از او خواسته بود که درباره این جراحی با هیچ کس در کلکته صحبت نکند. در ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۷، چند ماه پس از عمل جراحی، خانواده این زن هندی وی را به دلیل احساس ضعف و ناخوشی نزد پزشک بردند و پس از اسکن متوجه شدند که یکی از کلیه‌هایش در جای خود نیست. او می‌گوید که حتی برای اطمینان دو آزمایش اسکن انجام داده است.

ریتا به رسانه‌های محلی گفت که پس از ۱۲سال زندگی مشترک، همسرش به دلیل عدم توانایی خانواده وی برای پرداخت مبلغ جهیزیه، کلیه او را دزدیده و فروخته است.

به گزارش یورونیوز، پلیس شهر فاراکا در شمال ایالت بنگال ضمن آغاز تحقیقات اعلام کرد که ممکن است یک باند قاچاق اعضای بدن نیز در این پرونده دخیل باشد.

آژیر

پدرکشی در محله پاسداران

میزان| راز پسر جوان که پدرش را به قتل رسانده و جسدش را مثله کرده بود هنگام انتقال جسد فاش شد.

شامگاه پنجشنبه وقوع قتل در محله پاسداران به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام شد که بلافاصله ماموران کلانتری ۱۰۲ پاسداران در محل جنایت در یک خانه قدیمی حاضر شدند. در جریان تحقیقات مشخص شد روز دوشنبه پسر بزرگ خانواده که به مواد مخدر اعتیاد دارد از پدر ۶۶ساله‌اش که وی نیز معتاد و سابقه‌دار بود، درخواست پول می‌کند که با مخالفت وی روبه‌رو می‌شود.

در ادامه براساس گفته‌های متهم، پدرش با شمشیر به وی حمله می‌کند که او نیز چاقویی برداشته و ضربه‌ای به قلب پدر خود وارد می‌کند. متهم به قتل پس از ارتکاب جنایت، جسد پدرش را در زیرزمین خانه مثله و مخفی می‌کند که شامگاه پنجشنبه هنگام انتقال جسد، برادرش متوجه ماجرا شده و راز قتل فاش می‌شود.

پس از کشف قطعات جسد و اعترافات متهم ۴۶ساله، او با دستور قضائی بازداشت و به پلیس آگاهی منتقل شد.

تصادف مرگبار ماشین عروس

حادثه رانندگی در کاروان عروسی در جوین استان خراسان رضوی داماد و دو میهمان زن را به کام مرگ برد. این تصادف در کاروان عروسی بامداد جمعه در محور حکم‌آباد به نقاب روی داد و باعث فوت ۳ نفر شد. در این حادثه خودرو پراید حامل عروس به علت رعایت نکردن فاصله بعد از سبقت، با خودرو پرایدی که از پشت با سرعت به آن نزدیک شده بود، برخورد کرد. رئیس جمعیت هلال‌احمر جوین در این‌باره گفت: در این حادثه داماد و دو خانم جان باختند و ۷ نفر مصدوم شدند.

حمزه ملک‌خواهی افزود: یکی از مصدومان کودک است که در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان جوین بستری شد.

درگذشت یک کشتی‌گیر بر اثر سانحه رانندگی

ابوالفضل دباغی از کشتی‌گیران استان مازندران بر اثر سانحه رانندگی در شهرستان ساری درگذشت.

ابوالفضل دباغی از کشتی‌گیران مازندرانی که در آخرین حضور خود در میدان‌های کشتی اوایل بهمن‌ماه سال جاری به مدال برنز رقابت‌های سربازان نیروهای مسلح دست یافته بود، در سانحه رانندگی جان باخت.

دزد فراموشکار در دام پلیس تهران

میزان| کشف رسید بانک در خانه مالباخته و بررسی آن ماموران را به دزد فراموشکار رساند. روز یکشنبه مرد جوانی با مراجعه به کلانتری قلهک در شکایتی مدعی شد سارق یا سارقانی با ورود به منزلش مقدار زیادی پول، طلا، لپ‌تاپ و یک ساعت گران‌قیمت را به سرقت برده‌اند. با اعلام این شکایت، بلافاصله به دستور رئیس کلانتری، تیم تجسس در محل سرقت حاضر شد. بررسی‌های اولیه ماموران نشان می‌داد سارق با تخریب در بالکن طبقه اول وارد خانه مالباخته و پس از سرقت از طریق بالکن متواری شده است. در ادامه تجسس و بررسی محل سرقت، ماموران متوجه وجود رسید دستگاه کارتخوان روی فرش اتاق خواب شدند. صاحبخانه وقتی با برگه رسید دستگاه کارتخوان روبه‌رو شد، اعلام کرد که این رسید متعلق به او نیست. ماموران که با پیدا کردن این رسید احتمال می‌دادند رسید متعلق به سارق یا سارقان باشد، تحقیقات خود را روی این موضوع متمرکز کردند. سرانجام پس از تحقیقات و استعلام مشخص شد برگ تراکنش بانکی متعلق به دستگاه کارتخوان یک سوپرمارکت در محله تهرانپارس است. با شناسایی این مغازه، ماموران کلانتری به صورت نامحسوس تحقیقات خود را ادامه دادند تا سرانجام هویت صاحب حساب شناسایی شد. با شناسایی هویت صاحب حساب، ماموران با بررسی سوابق کیفری او متوجه شدند دارای چند سابقه کیفری به اتهام سرقت منزل است. ماموران که از وقوع سرقت از سوی این دزد سابقه‌دار مطمئن شده بودند، با کسب دستور قضائی تحقیقات را برای دستگیری متهم آغاز کردند. سرانجام روز چهارشنبه ماموران کلانتری قلهک با شناسایی پاتوق متهم و اطمینان از حضور او در این پاتوق در شرق تهران، موفق شدند او را دستگیر و به کلانتری منتقل کنند. سرهنگ دوم ضرغام آذین، رئیس کلانتری ۱۲۴ قلهک با اعلام این خبر گفت: متهم پس از انتقال به کلانتری منکر هرگونه سرقت بود و ادعا کرد اصلا نمی‌داند محله اختیاریه کجاست. درحالی که تحقیقات برای رمزگشایی از این پرونده ادامه داشت، مالباخته پس از حضور در کلانتری و مواجه شدن با متهم، ساعت مچی سرقت‌شده از خانه‌اش را روی دست سارق مشاهده کرد. سرانجام سارق که متوجه شده بود نمی‌تواند منکر سرقت شود، به سرقت از خانه خیابان اختیاریه اعتراف و دوستش را به‌عنوان همدستش در این سرقت معرفی کرد. رئیس کلانتری ۱۲۴ قلهک اضافه کرد: با توجه به سوابق متهم و وقوع سرقت منزل در محدوده، متهم برای شناسایی سایر جرایمش در اختیار ماموران پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. همچنین تحقیقات برای دستگیری همدست متهم ادامه دارد.